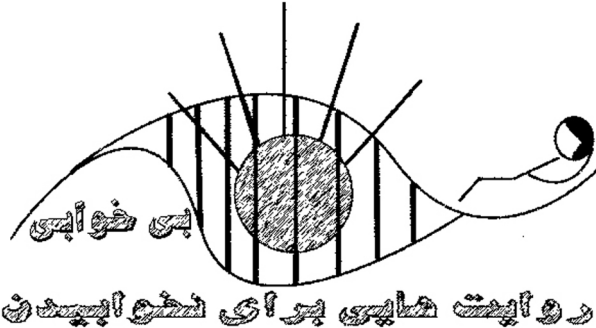


عصر یکشنبه من ، جدول نیمه تموم
همه خونه هاش سیاه ، روی خونه جغد شوم



روایت هایی برای نظر آیدن

عشق من، فارغم باش

نرده جنایت های زناشوهری

اریک امانوئل اشمیت

ترجمه شهلا مائری

انتشارات قطره

لیزا (با خشونت) : من هم همینطور، من هم با خودم موافق نیستم. برای اینکه یک مغز که ندارم، دو تا دارم. چرا ژیل! دو تا مغز. یکی متجدد و مدرن و اون یکی سنتی و عقب مونده. اون مدرنه به آزادیت احترام میذاره، از گذشت و بزرگواریش سرمسته، با ظرافت از خودش شعور و درک نشون می ده. اما اون یکی می خواد که فقط مال من باشی، حاضر نیست تو رو با کسی شریک شه، با اولین زنگ تلفن نا آشنا از جاش می پره، با یک صورت حساب رستوران نامعلوم هزار جور فکر و خیال می کنه، با کوچکتین تغییر عطری تو هم می ره، وقتی دوباره ورزش رو از سر می گیری یا لباس نو می خری نگران میشه، شب ها وقتی تو خوابی لبخندت براش مشکوکه، از فکر اینکه یک زن دیگه ببوسدت، که کسی بازوش رو دور گردنت بندازه، که پاهای کسی زیر بدنت بازشه حاضر دست به قتل بزنه... یک خزنده ای در ته وجودمه، با چشم های زرد و نافذ و همیشه هوشیار که هرگز اروم نمی گیره، این منم ژیل، این هم منم. حتی با کلاس های فشرده و دو هزار و پونصد سال تعلیم و تربیت، نمی تونی از عشق این جنبه ی حیوانی و غریزی رو جدا کنی.

بر زمینه ی سربی صبح

سوار

خاموش ایستاده است

و یال بلند اسبش در باد پریشان می شود.

خدایا خدایا

سواران نباید ایستاده باشند

هنگامی که

حادثه اخطار می شود.

کنار پرچین سوخته

دختر

خاموش ایستاده است

و دامن نازکش در باد

تکان می خورد.

خدایا خدایا

دختران نباید خاموش بمانند

هنگامی که مردان

نومید و خسته

پیر می شوند.

احمد شاملو

مجموعه آثار

انتشارات نگاه

ترانه تاریک

چنان قلم که دیده نمی شوم

مسعود کریم فانی
آهنگ دیگر

۱

گلایه ای نیست
پری
اگر نرود
چه کند

و تو
اگر بمانی.

اما

اگر دستی هم
تکان می دادی
زیباتر بودی.

۲

و عشق

- وقتی عتیقه نیست -
بُهتان است.

بُهتان را
عشق است
- وقتی که عشق نیست.

حالا بگو که دوستم داری.

۳

از بادهای معروف
تنها یکی به سمتِ تو می وزد
و همان
ویرانت می کند .

ما و عشق

ما را با عشق چه کار؟
کدام مددی
داد عشق به ما
در برابر بیکاری
در برابر هیتلر ها
در برابر آخرین جنگ
یا دیروز و امروز
در برابر ترسی که فرا می رسد
و در برابر بمب ها؟

کدام مددی
در برابر آن چه
نابود می کند ما را؟
هیچ هیچ:
عشق با ما خائن بود
ما را با عشق چه کار؟

عشق را با چه کار؟
کدام مددی
دادیم ما به عشق
در برابر بیکاری
در برابر هیتلر ها
در برابر آخرین جنگ
یا دیروز و امروز
در برابر ترسی که فرا می رسد
و در برابر بمب ها؟

کدام مددی
در برابر آن چه؟
هیچ هیچ :
ما خائن بودیم به عشق

مرگ را با تو سفنی نیست
اریش فرید
ترجمه فسره ناقد
نشر پیشمه

« بازانتشار بی خوابی توصیه می شود »